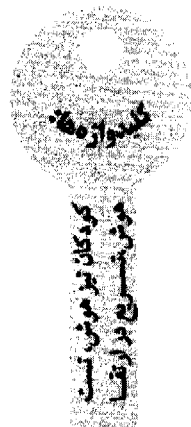


شاخه های نوین علوم



آموزش و پرورش کودکن تیزهوش

حسن بشارت



علوم و ریاضیات ارزشیابی شود در این ارزشیابی، اولیای کودکان و نیز معلمان و روان شناسان هر کدام نقشی بر عهده دارند و البته سهم روان شناسان به علت اعتقاد آنها از تست های عینی، زیادتر است. زیرا گاهی دیده شده است کودکانی که مطیع اوامر اولیا و معلمان خود هستند، بیش از کودکانی که در مقابل رفتار و دستورهای بزرگ ترها مقاومت نشان می دهند به عنوان افراد باهوش انتخاب شده اند. برای این که دچار چنین اشتباهی نشویم، باید از تست های هوشی و تست های معلوماتی استاندارد و همچنین تست هایی که قدرت ابتکار را می سنجند و بالاخره ارزیابی استعدادهای خاص در تعیین کودکان باهوش، استفاده کنیم. به علاوه، معیارهای اندازه گیری دیگری نظیر تاریخچه زندگی، خاطرات روزانه، شرح حال نوشته خود شخص، نمودارهای جامعه منجی و تست های شخصیت و کشف علاقه ها و انگیزه ها و کیفیت و نتیجه کار در گذشته، در تشخیص کودک باهوش اهمیت دارند.

واقعیت تأسف آوری که در حال حاضر غالباً مشاهده می شود این است که برخی از خانواده ها گاهی بر اساس ضوابط غیر قابل اعتماد و احساسات و عواطف شخصی و حیثاً اظهار نظر افراد غیر متخصص، فرزندان خود را کودکان تیزهوش تصور می کنند و آنان را وامی دارند تا دوره تحصیلات خود را در مدت کوتاهی به پایان رسانند یا اینکه اشعار طولانی و مطالب جغرافیایی و غیره را طولی وار حفظ کنند. بدین ترتیب، بدون توجه به هدف نهایی تربیت کودکان تیزهوش، به رشد متعادل جسمی و عاطفی آنان لطمه می زنند. برای پروریز از این گونه اشتباهها باید دید مهم ترین مباحث اساسی در تربیت کودکان تیزهوش و که مدت ها مورد بحث علمای تعلیم و تربیت کشورهای مترقی بوده است، کدامند و نظرات مبتنی بر تحقیق کارشناسان فن درباره هر یک از این مسائل چیست؟

- افراد غیر موفق به طور کلی چهار صفت مشخص داشته اند، از این قرار: نداشتن اعتماد به نفس، ناتوانی در ادامه و انجام کار به طور منظم یا نداشتن پشتکار، بی علاقهگی به هدفها، و احساس حقارت

تحقیقات لوئیس ترمین

فعالیت های ملوم و پیگیر لوئیس ترمین در زمینه شناخت کودکان باهوش، نتایج نیکویی به بار آورده است. خصوصیات کودکان باهوش از نظر او به طور خلاصه عبارتند از:

۱. وضع جسمانی فرد متوسط از گروه کودکان باهوش در مقایسه با وضع جسمانی فرد متوسط از گروه کودکان عادی، مختصری بهتر است.
۲. توانایی کودک تیزهوش در تست های مربوط به قرائت، تکلم، استدلال در حساب، علوم ادبیات و هنر، نسبت به کودکان متوسط بارز است. ولی در حساب کردن املا و اطلاعات در زمینه مسائل تاریخی و تعلیمات مدنی تفوق کودکان تیزهوش کمتر به چشم می خورد.

مباحث اساسی در تربیت کودکان تیزهوش
الف) هدف های اصلی تعلیم و تربیت کودکان تیزهوش
در پرورش کودکان تیزهوش، رشد دادن طرز تفکر علمی آنها و ایجاد و تقویت علاقه آنها به تحقیقات و مطالعات وسیع و عمیق باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد و ضمن توجه به رشد متعادل جسمی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی کودکان هدف های آتی و آتی به طور یکسان در نظر گرفته شود. مثلاً کوشش برای این که کودک مراحل تحصیلی را در مدتی خیلی کوتاه و بدون کسب مهارت های لازم طی کند و یا محروم ساختن کودک از لذات دوران کودکی و جدا کردن او از دنیای کودکان به خاطر مطالعه ملوم و سریع، در راه پرورش انسان متعادل موافقی به وجود می آورد. پس، به جای انباشتن ذهن کودک از محفوظات، لازم است در پرورش قدرت تفکر و استدلال و قدرت درک روابط منطقی بین علت و معلول، رابطه بین انسان و محیط و تأثیر متقابل آن دو بر یکدیگر، کوشید.

ب) ضوابط و معیارهای شناخت کودکان تیزهوش

باهوش دانستن کودکان بر اساس نتایج کار علمی آنان و یا استعداد و توانایی شگرف ایشان در درس نظری، بدون توجه به سایر عوامل، معنی چندانی نخواهد داشت. در مراحل تعیین کودکان باهوش باید قدرت خلاقه، استعداد رهبری، استعداد کارهای فیزیکی یا مکانیکی، قدرت نویسندگی، استعداد هنری، استعداد آموختن زبان خارجی و

۳. توجه کودکان تیزهوش چندجانبه است. آنان خواندن را آسان تر فرا می گیرند، کتاب های بیشتر و بهتری می خوانند، مجموعه های مختلف را جمع آوری می کنند، به انواع سرگرمی ها علاقه مندند و از بازی ها و نمایش های بیشتر از کودکان متوسط کسب معلومات می کنند.
 ۴. در مقایسه با کودکان معمولی، درباره دانش خود کمتر لاف می زنند و در مواردی که وسوسه تقلب وجود دارد بیشتر قابل اعتماد هستند. رفتار اجتماعی آنها سالم تر و در تست های مربوط به تعادل روحی برجسته ترند.
- ادامه بررسی ترمین در مورد کودکان تیزهوش نشان داده است که از میان ۸۰۰ دانش آموز پسر، دانشمندان، پزشکان

تیزهوشان



نویسندگان و مورخان ممتازی برخاسته‌اند. نتیجه تست هوش دیگری نشان داد که استعداد برجسته آن‌ها در طول مدت زندگی ادامه داشته است. این بررسی در مورد دختران باهوش چندان گویا نبوده است زیرا اغلب آنان ازدواج کرده و مشاغل خاصی را احراز نکرده بودند. مع‌هذا در میان آنان نیز چند نویسنده وجود داشته است. به‌طور خلاصه، نتیجه تست‌ها و بررسی‌ها گویای این واقعیت بود که نه تنها میزان هوش آنان پایین نیامده، بلکه برعکس تفاوت هوشی آن‌ها نسبت به کودکان عادی بیشتر شده است.

یادآوری این نکته لازم است که این استنتاج کلی در مورد معادلاتی از کودکان صادق نیست و باید اضافه کرد که مطالعه ترمین شامل کودکان محروم و کودکان بسیار

مستعد در زمینه جامعه‌سنجی نشان داده است که هوش بهر و معیوبیت رابطه مستقیم وجود ندارد. تحقیقات حقایق متفاوتی را نیز نشان داده است که شایسته آنست که به آن‌ها شاید برای خوانندگان علاقه‌مند صواب‌تری کودکان تیزهوش و مریخی‌بی‌فایده

در محیط محبوبیت اجتماعی کودکان تیزهوش در

کودکان تیزهوش به دوستی با سایر کودکان تیزهوش تمایل بیشتری نشان می‌دهند. تسریع در طی دوره دبستان، از نظر انطباق با محیط، برای کودکان تیزهوش مشکلات جدی ایجاد نمی‌کند.

۴. کودکان تیزهوش برای کودکان عادی نمونه ایده‌آلی هستند و به همین دلیل، کودکان عادی ترجیح می‌دهند آنان را برای دوستی انتخاب کنند.
۵. کودکانی که هوش بهر آنان خیلی بالا و در حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ است، از نظر انطباق با محیط کودکان معمولی، دچار مشکلاتی می‌شوند. اینگونه کودکان فوق‌العاده با کودکان مستعدی که هوش بهر آنان بالاتر از ۱۳۰ باشد، بهتر معاشرت می‌کنند.

کودکان تیزهوش عقب‌مانده

تحقیقات نشان داده است که اثر خانواده و مخصوصاً پدر از نظر پیشرفت تحصیلی بسیار زیاد است. به‌طور کلی، کودکانی که پدرشان در تعلیم آنان نقش مؤثر و مستقیم دارند، از نظر تحصیل نسبت به سایر کودکان تیزهوش پیشرفت‌ترند.

کودکان تیزهوش که مورد بی‌توجهی و بی‌مهری پدر هستند اغلب از نظر تحصیل نیز عقب می‌مانند. یکی از علل مهم عقب‌ماندگی آن‌ها این است که آنان از بی‌توجهی خسته و متفر می‌شوند و فرصت ابراز استعداد و قدرت خلاق خود را پیدا نمی‌کنند. این‌گونه کودکان از نظر ایجاد رابطه با سایر کودکان نیز چندان موفق نیستند.

نتیجه تحقیق دیگری نمودار این واقعیت بوده که ناراحتی‌های داخلی خانواده، در عقب‌ماندگی کودکان کاملاً

تأخیری گذارد. کودکان تیزهوشی که از نظر تحصیل عقب‌مانده‌اند، نسبت به کودکان تیزهوش دیگر، از نظر شخصیت نیز ضعیف‌ترند؛ بدین معنی که بدبین و نسبت به تحصیل بی‌میل و علاقه‌مند. اعتقاد به شانس و سرنوشت غالباً در افرادی دیده می‌شود که اعتماد به نفس خویش را از دست داده‌اند.

ترمن و لودن از تحقیق درباره ۱۵۰ نفر مردی که جزو افراد تیزهوش بوده ولی در مدت تحصیل پیشرفتی نداشتند و ۱۵۰ نفر دیگر که از نظر موفقیت نسبت به سایر کودکان

تیزهوش برجسته‌تر بودند، چنین نتیجه گرفته‌اند که افراد غیر موفق به طور کلی چهار صفت مشخص داشته‌اند، از این قرار: نداشتن اعتماد به نفس، ناتوانی در ادامه و انجام کار به‌طور منظم یا نداشتن پشتکار، بی‌علاقگی به هدف‌ها، و احساس حقارت.

باید توجه داشت، عقب‌ماندگی در تحصیل موضوعی اتفاقی و موقتی یا ناشی از وجود یک معلم ضعیف در یک سال تحصیلی نیست، بلکه این امر از مشکلات اجتماعی و ضعف‌های مربوط به شخصیت سرچشمه می‌گیرد. به همین علت، باید از همان سال‌های نخستین تحصیل، کودک را مورد توجه قرار داد و با شیوه‌های صحیح در رفع ضعف‌ها کوشید.

ج) نحوه تسریع ارتقای نوآموزان تیزهوش و کیفیت انجام آن

همان‌طور که در آغاز این بحث اشاره شده تسریع در ارتقای کودکان تیزهوش، بدون توجه به هدف‌های خاص آموزش و پرورش آنان و بدون در نظر گرفتن لزوم رشد متعادل و همه‌جانبه کودک، ممکن است لطایف شدید جسمی و روحی به کودک وارد آورد که آثار نامطلوب آن سال‌های متمادی باقی بماند. به همین دلیل، باید دید تسریع در طی مراحل آموزشی این‌گونه کودکان تا چه حد مطلوب است و در کشورهای پیشرفته به چه کیفیتی انجام می‌گیرد.

موضوع تسریع در ارتقای نوآموزان تیزهوش، همواره مورد بحث محافل کارشناسان آموزش و پرورش بوده است. تحقیقات متعدد در این زمینه، نتایج مشابه و تا حدی یکسان داشته است، به طوری که به ندرت اتفاق می‌افتد نتایج تحقیقات متفاوت، چنین هماهنگ باشد. این تحقیقات نشان داده است که تسریع محدود در طی مراحل آموزشی ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی، در صورتی که از سه یا چهار سال تجاوز نکند، مطلوب و عملی است.

ج) نحوه تسریع ارتقای نوآموزان تیزهوش و کیفیت انجام آن

تسریع عبارت است از سرعت در طی مراحل آموزشی در مدتی کمتر از دوره رسمی آموزش و پرورش. این امر از راه‌های متفاوت انجام می‌گیرد که متداول‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

تسریع در آموزش

۱. جهش: این روش که در گذشته، بیشتر در مدارس ابتدایی متداول بود، عبارت است از گذشتن از کلاسی بالاتر، بدون صرف یک سال تحصیلی برای طی آن

۲. پیشرفت سریع: این روش به دانش آموز اجازه می‌دهد که برنامه‌های درسی را از طریق فشرده کردن و گنجانیدن مواد درسی دو سال در یک سال و یا طولانی کردن مدت سال تحصیلی و یا گذراندن واحدهای درسی بیشتر در طی سال (در مدارسسی که این امکان وجود دارد) زودتر از مدت رسمی معین تمام کند و امتحان دهد.

۳. پذیرفتن دانش آموز قبل از رسیدن به سن دبستان: این روش به کودکان تیزهوش امکان می‌دهد که قبل از رسیدن به سن دبستان وارد مدرسه شوند. هر یک از این روش‌ها در مرحله اجرا نسبتاً مشکلاتی خواهد داشت. البته جهش یا پذیرفتن کودک در دبستان در سنین پایین، معمولاً برای معلم رحمت زیادی دارد. در حالی که پیشرفت سریع مستلزم تغییر زیاد در روش تعلیم و محتوای برنامه است. قبل از اجرای هر یک از روش‌های تسریع، باید به موضوع آمادگی معلمان، آمادگی محیط، و رفتار و نظر اولیای اطفال توجه کافی کرد.

یکی دیگر از روش‌های تسریع این است که در کلاس‌های بالاتر مدارس ابتدایی، مواد درسی را، مانند دبیرستان، معلمان متفاوت تدریس کنند. بدین ترتیب، امکان تقسیم دانش آموزان به سه گروه ضعیف، متوسط و با استعداد به وجود می‌آید. مزیت این روش آن است که اولاً معلمانی که در یک رشته، مثلاً ریاضیات یا علوم اجتماعی، تبحر پیدا کرده‌اند با روش‌های بهتری می‌توانند تدریس کنند؛ ثانیاً این روش امکان تقسیم‌بندی را سهل‌تر و در نتیجه وسیله ارتقای سریع را فراهم می‌کند.

تغییرات توصیه شده در برنامه دبیرستان‌ها

گزارشی که در سال ۱۹۵۹ کونانت (J.B. Conant) رئیس سابق دانشگاه هاروارد منتشر کرد، متضمن توصیه‌های جالبی بود که اکثر آن‌ها امروزه در دبیرستان‌های آمریکا اجرا می‌شوند. کونانت ابتدا درباره ۵۵ دبیرستان انتخاب شده در ۱۸ ایالت آمریکا مطالعه کرد و پس از مشاهدات متفاوت و مصاحبه با دانش آموزان، دبیران و مسئولان امر به این نتیجه رسید که دبیرستان‌های موجود برای کودکان تیزهوش و مستعد چندان سودمند نیستند و در تشویق آنان به کار بیشتر و شکفتگی استعدادشان نقش قابل توجهی ندارند. برای رفع این نقص، کونانت توصیه‌هایی دارد که خلاصه آن‌ها چنین است:

۱. دانش آموزان باید متناسب با استعداد خویش، اقلأ به سه گروه تقسیم شوند. ولی برای جلوگیری از جدایی افراد تیزهوش از جامعه، دروس مشترکی نظیر علوم اجتماعی و فعالیت‌های فوق برنامه گروهی نیز داشته باشند.

۲. برنامه‌های درسی فشرده و به صورت واحد درسی تعلیم داده شوند.

۳. قسمتی از دروس اجباری و قسم دیگر انتخابی باشند.

۴. علوم اجتماعی در کلاس‌های بالای دبیرستان، بدون توجه به تقسیم‌بندی بر اساس استعداد، به همه یکسان تعلیم داده شود.

۵. در قیبال هر ۲۵۰ یا ۳۰۰ نفر دانش آموز، یک معلم مشاور آشنا با اجرای تست‌های معلوماتی و شایستگی وجود داشته باشد.

۶. به دانش آموزان تیزهوش دروس مقدماتی دانشگاهی تعلیم داده شود.

۷. مستعد بودن دانش آموز در گواهی‌نامه یا کارنامه وی منعکس شود.

۱. تدوین برنامه برای کودکان تیزهوش. نویسنده و گردآورنده: Dr. Louis A. Fliegler (۱۹۶۳).

۲. آموزش و پرورش کودکان تیزهوش. James I. Gallagher (۱۹۶۵). استاد آموزش و پرورش انستیتوی تحقیقاتی خاص کودکان استانبلی.

نظرات مخالف و موافق در مورد تسریع در ارتقا

با وجود این تحقیقات، هنوز گروه قابل توجهی با تسریع در ارتقا مخالفت می‌کنند. بررسی نتایج مطالعات نشان می‌دهد که جنبه‌های مثبت تسریع، در صورتی که با توجه به اصول علمی انجام گیرد، زیاد است. ولی به هر حال، دلایل مخالفان و پاسخ‌هایی را که به آن‌ها داده شده است، می‌توان در دو قسمت خلاصه کرد:

۱. روش تسریع موجب پیدایش عدم تعانس سنی در گروه می‌شود و این امر احتمالاً سبب منطبق نشدن کودک با محیط می‌شود. این عقیده تا حدی مردود است، زیرا وابستگی به یک گروه، فقط به سن بستگی ندارد. عوامل دیگری نظیر اختلاف در رشد جسمی، بلوغ، انگیزه و علاقه، سطح اقتصادی و اجتماعی خانواده، هوش و هدف‌های زندگی، تشکیل گروه را، منحصراً بر اساس سن، انکار می‌کنند.

۲. تسریع در ارتقا سبب می‌شود که کودک بعضی از مهارت‌ها را کسب نکند. این استدلال نیز از طرف موافقان تسریع رد شده است. به اعتقاد آنان، مهارت به سن ارتباط ندارد. بلکه روش تدریس در هر کلاس است که کسب مهارت را امکان‌پذیر می‌کند.

توجه به این نکته اساسی ضروری است که حتی موافقان تسریع در ارتقا معتقدند که این کار دقیق باید بر اساس احوال و موازین علمی استوار باشد و تسریع بی‌مطالعه ممکن است ضررهای جسمی و عاطفی فراوانی برای کودک داشته باشد.

